

مروری بر نحوه تأمین منابع مالی آموزش عالی در منطقه آسیا و اقیانوسیه و رهیافت‌هایی برای ایران

نویسنده: معصومه قارون

(عضو هیأت علمی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی)

امروزه تأمین مالی آموزش عالی بر اثر تقاضای فزاینده برای آن از یک سو و محدودیت عمومی منابع مالی این بخش، از سوی دیگر با مشکل مواجه گشته است. این مشکل در طی دهه ۱۹۸۰ با کاهش سهم هزینه‌های آموزش عالی در تولید ناخالص ملی آغاز شد که دلیل اصلی آن محدودیت عرضه منابع مالی دولتی بود. این روند در چند سال اخیر در کشورهای در حال توسعه - که در اغلب آنها تأمین مالی آموزش عالی، در کل، بر عهده دولت بود - نیز آغاز شده است. علاوه بر عواملی مانند تغییر رابطه مبادله به ضرر کشورهای در حال توسعه و پیدایش بحرانهای اقتصادی، گرایش اخیر کشورهای در حال توسعه به اقتصاد بازار و اجرای برنامه‌های تعدیل اقتصادی که هدف آن کاهش نقش دولت در امور اقتصادی است، از نمونه‌های بارزی است که سبب کاهش حجم کلی مخارج دولت و - از جمله - کاهش مخارج دولت در زمینه‌های آموزشی در کشورهای در حال توسعه شده است. ضمن اینکه بروز پدیده‌هایی مانند بیکاری فارغ‌التحصیلان و افزایش هزینه‌های اجتماعی رقیب آموزش و بویژه آموزش عالی، مزید بر علت گشته‌اند.

درکنار این روند نزولی سهم آموزش عالی از هزینه‌های دولت و تولید ناخالص ملی، افزایش روزافزون تقاضا برای آموزش عالی به دلایل و انگیزه‌های مختلف باعث شده است که بخش آموزش عالی با منابع کمتر مجبور به پاسخگویی به تقاضای بیشتر باشد و تداوم این وضعیت، بحران مالی را در این بخش در پی آورد. کشور مانیز از مجموعه تحولات جهانی مورد اشاره جدا نیست و چشم‌اندازهایی از بروز شرایط مشابه در آن قابل مشاهده است. برای نشان دادن این مسأله به بررسی چند شاخص مالی در بخش آموزش عالی ایران می‌پردازیم.

۱- وضعیت مالی آموزش عالی ایران از نظر شاخصهای داخلی

همان‌طور که در آغاز بحث توضیح داده شد، بروز بحران مالی در پی ایجاد روند افزایش تقاضای آموزش عالی، همزمان با روند کاهش منابع در دسترس این بخش خواهد بود. در این قسمت، نخست تقاضای روزافزون برای آموزش عالی دولتی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

همچنانکه در جدول شماره (۱) مشاهده می‌شود، با وجود آغاز فعالیت آموزش عالی غیردولتی از سال تحصیلی ۶۳-۱۳۶۲ و افزایش سهم دانشجویان غیردولتی تا حدود بیش از ۵۰ درصد، به دلایل مختلف از جمله رایگان بودن آموزش عالی و احتمالاً "کیفیت برتر آن، تقاضا برای آموزش عالی دولتی همچنان رو به افزایش داشته است؛ به طوری که تنها شمار کمی از خیل عظیم متقاضیان به دانشگاه‌های دولتی راه می‌یابند. چنانکه که ملاحظه می‌شود، در سال ۱۳۷۲، تنها ۱۲/۹ درصد از شرکت‌کنندگان در آزمون سراسری پذیرفته شده‌اند. در سالهای ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵، این نسبت بترتیب به ۹/۴ درصد و ۹/۸ درصد کاهش یافته است. از طرف دیگر، در تأمین منابع مالی بخش آموزش عالی دولتی محدودیتهایی وجود دارند که عمدتاً با وضعیت بودجه عمومی دولت ارتباط دارند. برای مشاهده جایگاه آموزش عالی و تأثیرپذیری آن از روند عمومی اقتصاد کشور، به بررسی شاخصهای مالی آموزش عالی می‌پردازیم. این شاخصها عبارتند از:

- نسبت کل مخارج بخش آموزش عالی و تحقیقات به تولید ناخالص ملی،
- نسبت کل مخارج بخش آموزش عالی و تحقیقات به مخارج عمومی دولت،
- نسبت کل مخارج بخش آموزش عالی و تحقیقات به مخارج امور اجتماعی،
- نسبت کل مخارج بخش آموزش عالی و تحقیقات به کل مخارج آموزشی،
- نسبت کل مخارج بخش آموزش عالی و تحقیقات به کل مخارج آموزش و پرورش.

جدول شماره ۱: سهم آموزش عالی دولتی در کل آموزش عالی کشور و نسبت پذیرفته شدگان آموزش عالی دولتی به کل متقاضیان

سال تحصیلی	الف: دانشجویان دانشگاه‌های دولتی	ب: دانشجویان کل دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی	نسبت الف به ب (درصد)	ج: تعداد شرکت‌کنندگان در آزمون سراسری	د: تعداد پذیرفته شدگان در دانشگاه‌های دولتی	نسبت ج به د (درصد)
۱۳۶۲-۶۳	۱۲۰۸۷۴	۱۲۱۰۴۸	۹۹/۹	-	۳۳۲۲۱	-
۱۳۶۳-۶۴	۱۴۵۱۷۰	۱۴۵۸۰۹	۹۹/۶	-	۳۶۵۷۰	-
۱۳۶۴-۶۵	۱۵۰۷۰۳	۱۵۱۴۹۵	۹۹/۵	۴۴۲۵۵۵	۴۴۴۷۵	۱۰
۱۳۶۵-۶۶	۱۶۷۱۴۳	۱۶۷۹۷۱	۹۹/۵	۵۸۵۹۸۶	۶۵۱۶۳	۱۱/۱
۱۳۶۶-۶۷	۲۰۳۸۸۴	۲۰۴۸۶۲	۹۹/۵	۵۵۴۵۰۳	۶۴۰۲۴	۱۱/۵
۱۳۶۷-۶۸	۲۴۹۲۸۰	۲۵۰۷۰۹	۹۹/۴	۶۰۴۵۲۸	۶۵۱۱۹	۱۰/۸
۱۳۶۸-۶۹	۲۷۹۶۷۲	۳۹۸۰۱۵	۷۰/۳	۷۵۱۸۵۱	۵۴۵۵۸	۷/۳
۱۳۶۹-۷۰	۳۱۰۰۶۴	۴۸۸۲۹۸	۶۳/۵	۷۹۰۹۹۰	۵۶۵۵۳	۷/۱
۱۳۷۰-۷۱	۳۴۱۴۸۹	۵۶۶۹۵۸	۶۰/۲	۸۳۱۳۰۵	۸۲۰۹۹	۱۰/۱
۱۳۷۱-۷۲	۳۷۲۵۲۶	۶۷۸۰۶۰	۵۴/۹	۹۱۲۲۵۱	۱۲۰۶۰۲	۱۳/۲
۱۳۷۲-۷۳	۴۳۳۷۶۳	۸۲۲۷۰۳	۵۲/۷	۱۰۱۸۱۷۵	۱۳۱۱۲۷	۱۲/۹
۱۳۷۳-۷۴	۴۷۳۷۵۱	۹۰۹۴۷۶	۵۲/۶	۱۱۱۲۵۸۷	۱۲۳۷۳۸	۱۱/۱
۱۳۷۴-۷۵	۵۱۹۳۰۶	۱۰۶۳۹۶۲	۴۸/۹	۱۲۷۷۱۸۲	۱۲۰۶۶۳	۹/۴
۱۳۷۵-۷۶	۵۶۴۸۲۵	۱۱۷۸۳۰۱	۴۷/۹	۱۲۵۹۱۵۴	۱۲۳۷۴۵	۹/۸

جدول شماره ۲: شاخصهای مالی آموزش عالی ایران (۱۳۶۲-۱۳۷۵)

سال	تولید ناخالص ملی به قیمت پایه (بیلیارد ریال)	مصارف عمومی دولت	کل مخارج بخش امور اجتماعی	کل مخارج آموزشی کشور (۱)	کل مخارج بخش تحقیقات آموزشی عالی و تحقیقات	نسبت کل مخارج بخش آموزش عالی و تحقیقات به: (درصد)			
						(الف) تولید ناخالص ملی	(ب) مخارج عمومی دولت	(ج) مخارج بخش امور اجتماعی	(د) کل مخارج آموزشی
۱۳۶۲	۱۲۹۲۳/۴	۳۸۹۴/۹	۱۲۵۸/۶	۴۸۵/۲	۵۵/۲	۱/۴	۴/۴	۱۱/۴	۱۲/۸
۱۳۶۳	۱۴۲۳۱/۳	۲۶۳۱/۵	۱۳۳۶/۲	۵۱۸/۰	۷۱/۲	۲/۰	۵/۳	۱۳/۷	۱۵/۹
۱۳۶۴	۱۵۱۳۴/۰	۳۶۱۵/۶	۱۳۸۹/۵	۵۴۴/۳	۷۵/۷	۲/۱	۵/۴	۱۳/۹	۱۶/۱
۱۳۶۵	۱۵۵۹۵/۳	۳۴۶۵/۷	۱۵۱۸/۹	۶۱۴/۲	۷۸/۴	۲/۲	۵/۱	۱۲/۷	۱۴/۵
۱۳۶۶	۱۹۲۴۴/۷	۳۹۸۳/۰	۱۷۱۶/۶	۶۶۷/۱	۸۴/۵	۲/۱	۳/۱	۱۲/۵	۱۴/۳
۱۳۶۷	۲۱۶۳۷/۲	۴۶۲۵/۳	۲۰۵۰/۸	۸۱۴/۱	۱۰۸/۵	۲/۳	۵/۲	۱۲/۵	۱۵/۱
۱۳۶۸	۲۶۸۱۷/۱	۴۷۶۶/۷	۲۳۶۰/۶	۹۵۵/۵	۱۳۷/۸	۲/۸	۵/۲	۱۳/۱	۱۵/۱
۱۳۶۹	۳۶۳۸۱/۲	۶۶۷۸/۴	۳۲۸۲/۲	۱۳۶۱/۹	۲۲۲/۴	۲/۱	۵/۸	۱۴/۲	۱۶/۶
۱۳۷۰	۵۰۵۶۹/۹	۹۰۰۸/۱	۴۴۵۵/۶	۱۸۰۳/۷	۳۲۹/۳	۳/۶	۶/۶	۱۶/۰	۱۹/۰
۱۳۷۱	۶۶۳۹۵/۹	۱۲۰۴۱	۶۴۷۷	۲۷۶۹/۲	۵۰۴/۸	۳/۷	۸/۶	۱۷/۹	۲۱/۹
۱۳۷۲	۹۱۱۲۴/۶	۲۲۶۵۲/۱	۱۰۸۵۷/۳	۴۷۱۴/۶	۸۶۷/۲	۲/۸	۸/۶	۲۰/۴	۲۵/۶
۱۳۷۳	۱۲۵۳۶۶/۶	۲۹۷۲۱/۲	۱۲۸۴۱/۱	۵۵۸۱/۹	۱۴۰۱/۵	۴/۷	۸/۰	۱۸/۴	۲۰/۷
۱۳۷۴	۱۷۷۰۶۵/۶	۴۶۴۱۰	۱۶۷۶۴/۲	۶۱۷۱	۱۶۵۹/۴	۳/۶	۹/۹	۲۷	۲۶/۷
۱۳۷۵	۲۲۹۹۲۲/۴ ^(۲)	۶۱۱۲۴	۲۲۴۸۹/۹	۸۴۴	۲۵۲۲/۵	۴/۱	۱۱/۲	۲۸/۵	۲۹/۹

منبع: تولید ناخالص ملی سالهای ۱۳۶۲-۶۹، براساس کتاب حسابهای ملی ایران ۱۳۵۳-۶۹ و ۱۳۶۷-۶۹ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ارقام سالهای ۷۲-۱۳۷۰ از نشریه برآورد مقدماتی حسابهای ملی ایران در سال ۱۳۷۲، و نتایج تفصیلی حسابهای ملی ایران در سال ۱۳۷۲ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سایر ارقام از کتاب قانون بودجه کشور و سالنامه آماری کشور جمع آوری شده اند.

(۱) شامل اعتبارات جاری و عمرانی و اختصاصی بخش آموزش و پرورش عمومی و بخش آموزش عالی و تحقیقات است.

(۲) برآورد مقدماتی.

این شاخصها در جدول شماره (۲) خلاصه شده‌اند. پنج ستون آخر جدول مذکور شاخصهای نام برده شده را نشان می‌دهند. مقدار نسبی کلیه شاخصها، بجز بعضی سالها، به نفع بخش آموزش عالی تغییر کرده و مقدار آن در پایان دوره مورد بررسی نسبت به آغاز آن تقریباً دوبرابر شده است. لیکن کلیه شاخصها در سال ۱۳۶۶، شاخصهای (ج) و (د) و (ه) در سال ۱۳۶۵، شاخصهای (الف) و (ب) و (ج) در سال ۱۳۷۴، و شاخصهای (ج)، (د) و (ه) در سال ۱۳۷۲ کاهش یافته‌اند. این موضوع بیانگر آن است که بخشهایی که از بودجه عمومی دولت استفاده می‌کنند، بویژه بخشهای امور اجتماعی و آموزش و پرورش عمومی برای دستیابی به سهم بیشتری از بودجه دولت بابخش آموزش عالی رقابت نزدیک دارند. در سال ۱۳۷۴ شاخصهای نسبت مخارج بخش آموزش عالی به تولید ناخالص ملی، مخارج عمومی دولت و مخارج بخش امور اجتماعی، نسبت به دو شاخص دیگر، وضعیت نامطلوبتری دارند و این دقیقاً نشان دهنده آن است که اصولاً مخارج آموزشی نسبت به سایر مخارج بخش آموزش عالی به تولید ناخالص ملی، نسبت به سال قبل از آن، کاهش یافته است.

شاخص دیگری که محدودیت منابع مالی بخش آموزش عالی را به نحو بهتری به تصویر می‌کشد، شاخص هزینه سرانه واقعی است. ارقام جدول شماره ۳ نشان می‌دهند که هزینه سرانه واقعی در این بخش، از ۳۲۲/۶ هزار ریال در سال ۱۳۶۲ به ۱۳۳/۷ هزار ریال در سال ۱۳۶۸ تنزل پیدا کرده و افزایش مجدد آن توانسته است این شاخص را به ۱۷۴/۴ هزار ریال در سال ۱۳۷۵ برساند. به عبارت دیگر، هزینه سرانه واقعی در این بخش، طی دوره ۱۳۶۲-۷۵، ۴۶٪ کاهش یافته است. این روند نزولی به همراه روند صعودی تقاضای آموزش عالی بیانگر محدودیتی است که در آغاز بحث به آن اشاره شد و نشان می‌دهد که بخش آموزش عالی دولتی برای عرضه خدمات خود منابع کمتری در دسترس دارد.

۲- وضعیت مالی آموزش عالی ایران از دیدگاه بین‌المللی

برای بررسی وضعیت مالی بخش آموزش عالی از دیدگاه بین‌المللی، از دوشاخخص متعارف کمک می‌گیریم. این دوشاخخص عبارتند از: نسبت هزینه‌های جاری آموزش عالی به تولید ناخالص ملی، و هزینه‌های جاری دولت. در جدول شماره ۴، رتبه ایران از نظر این نسبتها در بین ۴۰ کشور جهان، ۲۰ کشور در حال توسعه، و نیز کشور منطقه آسیا و اقیانوسیه محاسبه گردیده‌است. به دلیل نبودن اطلاعات یکدست، بعضی از ارقام مذکور، متوسط شاخصهای مورد اشاره طی سالهای ۹۳-۱۹۹۰ است. همچنین در مورد شاخص نسبت هزینه‌های جاری آموزش عالی به هزینه‌های جاری دولت، اطلاعات منسجم فقط در مورد ۲۲ کشور در دسترس بودند.

جدول شماره ۳: هزینه سرانه واقعی در بخش آموزش عالی و تحقیقات

سال	هزینه‌های جاری بخش آموزش عالی و تحقیقات (میلیارد ریال)	شاخص ضمنی هزینه‌های مصرفی دولت	هزینه‌های جاری واقعی بخش آموزش عالی و تحقیقات	تعداد دانشجویان دانشگاه‌های دولتی	هزینه سرانه واقعی در بخش آموزش عالی و تحقیقات (هزار ریال)
۱۳۶۲	۴۳/۵	۱۱۱/۵	۳۹	۱۲۰۸۷۴	۳۲۲/۶
۱۳۶۳	۵۴/۵	۱۲۰/۹	۴۵/۱	۱۴۵۱۷۰	۳۱۰/۷
۱۳۶۴	۵۸/۵	۱۲۸/۷	۴۵/۴	۱۵۰۷۰۳	۳۰۱/۲
۱۳۶۵	۵۸/۸	۱۵۷/۲	۳۷/۴	۱۶۷۱۴۳	۲۲۳/۸
۱۳۶۶	۶۵/۷	۱۹۳	۳۴	۲۰۳۸۸۴	۱۶۶/۸
۱۳۶۷	۸۱/۲	۲۲۹/۱	۳۵/۴	۲۴۹۲۸۰	۱۴۲
۱۳۶۸	۱۰۳/۷	۲۷۶/۹	۳۷/۴	۲۷۹۶۷۲	۱۳۳/۷
۱۳۶۹	۱۵۹/۹	۳۰۳/۳	۵۲/۷	۳۱۰۰۶۴	۱۷۰
۱۳۷۰	۲۴۰	۳۷۰/۱	۶۴/۸	۳۴۱۴۸۹	۱۸۹/۷
۱۳۷۱	۳۲۱/۶	۴۴۶/۳	۷۶/۵	۳۷۲۵۲۶	۲۰۵/۳
۱۳۷۲	۶۰۸/۶	۷۴۹/۶	۸۲/۶	۴۳۳۷۶۳	۱۹۰/۴
۱۳۷۳	۹۸۶/۸	۱۰۱۳/۵	۹۷/۴	۴۷۳۷۵۱	۲۰۵/۶
۱۳۷۴	۱۲۵۴	۱۱۷۸/۸	۱۰۶/۴	۵۱۹۳۰۶	۲۰۴/۹
۱۳۷۵	۱۴۸۵/۸	۱۵۰۹/۱	۹۸/۵	۵۶۴۸۲۵	۱۷۴/۴

جدول شماره ۴: وضعیت مالی آموزش عالی ایران در یک مقایسه بین المللی

رقم شاخص برای ایران	رقم بالاترین رتبه در:			رتبه ایران در:			عنوان شاخص
	کشورهای آسیا و اقیانوسیه ^{**}	کشورهای در حال توسعه	کل	کشورهای آسیا و اقیانوسیه ^{**}	بین کشورهای در حال توسعه	کل	
۰/۵۲۳	۲/۴۷۹	۱/۴۲۷	۲/۴۷۹	۹	۱۶	۳۴	نسبت هزینه‌های جاری آموزش عالی به GNP (درصد)
۲/۱۵۵	۴/۵۲۰	۴/۶۲	۴/۶۲	۵	۹	۱۴	نسبت هزینه‌های جاری آموزش عالی به بودجه جاری دولت ^{**} (درصد)
۳۲/۹۵۷	۳۷	۳۴/۸	۳۷	۳	۳	۴	نسبت هزینه‌های جاری آموزش عالی به هزینه‌های جاری آموزشی (درصد)
۱۲/۱۲	۴۸/۶۸	۴۵	۹۸/۵	۸	۱۲	۲۹	نرخ ثبت نام کنندگان در گروه سنی ۱۸-۲۳ (درصد)
۱۱۳۴	۴۲۵۷	۴۲۵۷	۶۹۶۹	۸	۱۲	۲۹	تعداد دانشجویان در هر صد هزار نفر جمعیت (درصد)

* شامل ۱۵ کشور: اندونزی، ایران، ازبکستان، بنگلادش، تایلند، سری لانکا، عراق، عربستان، عمان، کره، مالزی، نیوزلند، هند، اردن و استرالیا.
 ** تعداد کشورهای مورد بررسی در این شاخص عبارت از ۲۲ کشور، ۱۳ کشور در حال توسعه و ۱۰ کشور آسیایی و اقیانوسیه هستند.

از نظر شاخص نسبت هزینه‌های جاری آموزش عالی به تولید ناخالص ملی، رتبه ایران در بین ۴۰ کشور مورد بررسی سی و چهارم، و از نظر نسبت کل هزینه‌های جاری آموزش عالی از بودجه جاری دولت، در بین ۲۲ کشور چهاردهم است. همان طور که ملاحظه می‌شود، در مقایسه با سایر کشورها، نسبت بسیار کمی از تولید ناخالص ملی به آموزش عالی اختصاص می‌یابد. به عبارت دیگر، سهم آموزش عالی دولتی ایران از کل منابع کشور بسیار کم است.

شاخص دیگری که از نظر مقایسه بین‌المللی مفید است، نسبت کل هزینه جاری آموزش عالی به هزینه‌های جاری آموزشی است که نشان می‌دهد بخش آموزش عالی ایران چه سهمی را از کل هزینه‌های آموزشی در مقایسه با سایر کشورها دارا است. این نسبت نیز از جدول شماره ۴ برای ۴۰ کشور مورد بررسی قابل مشاهده است. رتبه ایران، از نظر این شاخص، در بین کشورهای مذکور چهارم است. به عبارت دیگر، بخش آموزش عالی ایران در مقایسه با کشورهای مورد بررسی، سهم بسیار کمی از منابع ملی و منابع دولتی را دریافت می‌کند ولی از نظر تخصیص منابع در داخل بخش آموزش، وضعیت بهتری دارد. وضعیت همین شاخصها در مقایسه با کشورهای در حال توسعه و کشورهای منطقه آسیا و اقیانوسیه نیز بررسی گردیده است. رتبه ایران از نظر شاخص اول در بین ۲۰ کشور در حال توسعه، ۱۶ و در بین ۱۵ کشور منطقه، ۹ و از نظر شاخص دوم در بین کشورهای در حال توسعه، ۹ و در بین کشورهای منطقه، ۵ است. از نظر شاخص سوم در بین هر دو گروه کشورها، ایران رتبه سوم را دارا است. بررسی فاصله رتبه کشورهای در دو گروه کشورهای اخیرالذکر نیز همان نتیجه قبلی را به همراه می‌آورد. قابل توجه است که کشور ما گرچه از نظر تخصیص منابع ملی به بخش آموزش عالی، در رتبه سی و چهارم قرار دارد، اما از نظر تعداد دانشجو درصد هزار نفر جمعیت، در بین همان کشورها رتبه بیست و نهم را دارا است. این مقایسه بخوبی نشان می‌دهد که تخصیص سرانه به هر دانشجو متناسب با کشورهای دیگر نیست و همچنانکه که در بررسی شاخصهای مالی در بخش گذشته نتیجه‌گیری شد، بخش آموزش عالی ایران با منابع کمتر به

متقاضیان بیشتری خدمت عرضه می‌کند. یک نکته مهم که در مورد نحوه تأمین منابع مالی بخش آموزش عالی بسیار مهم است، واقعیتی است که از مقایسه رتبه ایران در بین سایر کشورها از نظر شاخص نسبت هزینه‌های آموزش عالی به تولید ناخالص ملی و نسبت هزینه‌های مذکور به هزینه‌های جاری دولت پدیدار می‌شود. همچنانکه گفته شد، ایران از نظر شاخص اول، در بین ۴۰ کشور مقام سی و چهارم، ولی از نظر شاخص دوم، در بین ۲۲ کشور مقام چهاردهم را دارا دارد. همچنین در میان کشورهای در حال توسعه، از نظر شاخص اول مقام شانزدهم، ولی از نظر شاخص دوم مقام نهم را دارا است. به همین ترتیب، اگر مقام آن را در کشورهای منطقه آسیا و اقیانوسیه از نظر دو شاخص مذکور بررسی کنیم (حتی با توجه به متفاوت بودن تعداد نمونه مورد بررسی برای دو شاخص)، متوجه می‌شویم که ایران از نظر شاخص دوم در وضعیت بهتری است. به عبارت دقیق‌تر، بخش آموزش عالی از کل منابع دولتی، در مقایسه با سایر کشورها سهم نسبتاً خوبی را به دست می‌آورد ولی از کل منابع ملی، خیر. نکته اخیر می‌تواند بیانگر این حقیقت باشد که منابع دولتی اختصاص یافته به آموزش عالی، در واقع سهمی، را که باید علی‌الاصول از منابع ملی داشته باشند، ندارند؛ یعنی بودجه عمومی دولت در مقایسه با سایر کشورها نتوانسته است در انتقال سهم متناسبی از منابع ملی به این بخش به طرز صحیح عمل کند. این مطلب با بررسی رتبه سایر کشورها از نظر این دو شاخص، بهتر درک می‌شود.

برای سهولت بررسی، اطلاعات اولیه مربوط به این مقایسه را صرفاً برای کشورهای منطقه در جدول شماره ۵ نشان داده‌ایم. به عنوان مثال، رتبه کشور استرالیا از نظر شاخص اول در بین ۱۵ کشور، سوم و در بین ۱۰ کشور، اول است. به عبارت دیگر، تقریباً این دو رتبه به یکدیگر نزدیک‌اند و نشان می‌دهند که در این کشور، سهم آموزش عالی از کل منابع ملی و از بودجه عمومی دولت با هم متناسب است. به همین ترتیب، کشورهای اردن، هند، کره، عمان و سری لانکا رتبه تقریباً متناسب دارند. اما در کشورهای ایران، تایلند و مالزی، سهم نامتناسبی از منابع ملی

جدول شماره ۵: شاخصهای مالی بخش آموزش عالی و رتبه کشورهای منطقه آسیا واقیانوسیه درهریک ازشاخصها

رتبه کشور	نسبت هزینههای جاری آموزش عالی		نسبت هزینههای جاری آموزش عالی		نسبت هزینههای جاری آموزش عالی		نوع شاخص
	به هزینههای جاری آموزشی	مقدار شاخص (درصد)	رتبه کشور	مقدار شاخص (درصد)	رتبه کشور	مقدار شاخص (درصد)	
۹	۱۴/۷	-	۱۵	۰/۱۴	اندونزی		
۳	۳۲/۹۵	۵	۹	۰/۵۲۳	ایران		
۱۲	۹/۶	-	۵	۱/۰۲۷	ازبکستان		
۴	۳۰/۷۵	۱	۳	۵	استرالیا		
۲	۳۳/۲	۲	۳	۱/۲۶۲	اردن		
۱۳	۸/۳	۱۰	۱۴	۰/۱۵۸	بنگلادش		
۸	۱۵/۵	۴	۱۰	۰/۴۵۷	تایلند		
۱۱	۱۳/۶	۷	۱۱	۰/۳۲۶	سری لانکا		
۵	۲۰/۶	-	۶	۰/۹۳۷	عراق		
۶	۱۹/۷	-	۴	۱/۱۲۳	عربستان		
۱۵	۵/۳	۹	۱۳	۰/۲۱۲	عمان		
۱۴	۷/۲	۸	۱۲	۰/۲۳۰	کره		
۷	۱۸/۶	۳	۷	۰/۸۳۷	مالزی		
۱	۳۷	-	۱	۲/۴۷۹	نیوزلند		
۱۰	۱۴/۶۵	۶	۸	۰/۵۵۷	هند		

و بودجه دولت به آموزش عالی اختصاص می‌یابد.

از آنجا که بررسی شاخصهای مالی آموزش عالی ایران، هم از نظر مقایسه داخلی و هم از نظر بین‌المللی نشان می‌دهند، که تقویت منابع مالی این بخش الزامی است، در بخش بعدی به راه‌های مختلف تأمین منابع مالی می‌پردازیم و سپس، در انتخاب روش مناسب تدارک منابع مالی مکمل برای آموزش عالی ایران، به نکته قابل تأمل یاد شده باز خواهیم گشت.

۳- راه‌های تدارک منابع مالی جدید

به دنبال کاهش منابع در دسترس بخش آموزش عالی در بسیاری از کشورها، روشهای مختلفی برای تدارک منابع مالی جدید و تنوع بخشیدن به آن مطرح گردیده است. اگر چه اتکای صرف به بودجه دولت، بویژه در دهه اخیر، نتوانست منابع کافی برای این بخش تدارک ببیند و لزوم کسب درآمد از راه‌های دیگر به وجود آمد، لیکن این موضوع را نباید به خصوصی سازی آموزش عالی تعبیر کرد، زیرا به دلایل متعدد، حمایت مستمر و اساسی دولت از آموزش عالی لازم و ضروری است.^۱

در بررسی راه‌های تدارک منابع مالی جدید، معمولاً روشهایی مانند اخذ شهریه و کسب درآمد از فعالیتهای جانبی و جلب کمکهای بلاعوض، در صدر مباحث قرار می‌گیرند. تأمین مالی آموزش عالی از دانشجویان، مشروط به طراحی و اجرای سازوکاری دقیق و کارا برای حمایت مالی از آنان و برقراری عدالت اجتماعی است و، از طرف دیگر، نظامهای وام دانشجویی در کل جهان نتوانسته‌اند در بازیافت هزینه‌ها موفق باشند و برای اعطای یارانه به دانشجویان، روشهای دیگری از قبیل اعطای سند هزینه طرح پیش پرداخت شهریه و مالیات فارغ‌التحصیلی ابداع شده‌اند.^۲ برای کسب درآمد از طرق دیگر نیز گفته‌ایم که اولین و ساده‌ترین روش برای دانشگاه‌های دولتی، کسب درآمد از فعالیتهای جانبی است. در اینجا این روش تأمین مالی را مختصراً توضیح می‌دهیم و وضعیت دانشگاه‌های ایران را از این نظرگاه بررسی می‌کنیم.

۱-۳- کسب درآمدهای جاری

روشهای دیگر تدارک منابع مالی مشتمل بر روشهایی هستند که در آن مؤسسات آموزش عالی مستقیماً از منابع مختلف درآمد کسب می‌کنند. این نوع درآمدها شامل پرداختهای انتقالی (دولتی و خصوصی)، درآمدهای جاری، درآمدهای قراردادهای آموزشی و تحقیقاتی، درآمد داراییهای وقفی و درآمد حاصل از سرمایه‌گذاریهای مالی است. معمولاً در اکثر کشورها این نوع درآمدها به استثنای پرداختهای انتقالی دولتی یا همان اعتبارات دولتی و درآمدهای جاری سهم کمتری از کل درآمد دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی را به خود اختصاص می‌دهند. علت آن این است که اصولاً امکان بعضی از این نوع درآمدها منوط به آن است که ابتدا دانشگاه یا مؤسسه مربوط از لحاظ روند عادی فعالیتها حد کافی تأمین مالی شده باشد و سپس بتواند، با طراحی برنامه‌هایی، از این نوع درآمدها نیز بهره‌مند گردد. به عنوان مثال، درآمد قراردادهای آموزشی و تحقیقاتی و، بویژه، کسب درآمد از همکاریهای تحقیقاتی، تازمانی که دانشگاه از نظر تجهیزات و سایر امکانات پژوهشی تأمین نشده باشد، امکان پذیر نیست. همچنین درآمد داراییهای وقفی منوط به توان جذب کمکهای مالی از سوی افراد حقیقی و حقوقی است و، در نهایت، تازمانی که دانشگاه درآمدهای اضافی نداشته باشد، نمی‌تواند با سرمایه‌گذاری آنها در بازارهای مالی یا طرحهای عمرانی از سود آن بهره‌مند شود و یک منبع درآمد جدید به درآمدهای خود اضافه کند. لذا، به نظر می‌رسد که، در مورد کشورهای در حال توسعه، تأمین مالی از طریق این روشها هنوز نیاز به اقدامات اولیه و تدارک امکانات داشته باشد.^۳

برای تنوع بخشیدن به منابع مالی دانشگاه‌های دولتی، نخست باید از ظرفیتهای و منابع بالقوه درآمد در داخل بخش دولتی استفاده کرد و، در مرحله دوم، روشی بهینه برای جلب درآمد از منابع خصوصی اتخاذ نمود. اولین گام در این راه، افزایش درآمدهای جاری است. این نوع درآمدها معمولاً شامل درآمد خدمات بهداشتی و درمانی، فروش محصولات، اجاره آزمایشگاه‌ها، برگزاری دوره‌های کوتاه مدت و از این قبیل است. این روش کسب درآمد در کشورهایهایی که مؤسسات آموزش عالی

به عنوان واحدهای دارای فعالیت اقتصادی شناخته شده‌اند، مثل ایالات متحده آمریکا، سابقه بیشتری دارد. در بعضی کشورها اقدامات گوناگونی برای تسهیل ارتباط دانشگاه با بخشهای دیگر و افزایش این نوع درآمدها انجام شده است. در منطقه آسیا و اقیانوسیه، از جمله در کشور استرالیا، کمیته بودجه آموزش عالی توصیه‌هایی را برای تسهیل این ارتباط کرده است. از جمله اظهار داشته است که، بخشهای تولیدی و تجاری، با استفاده از حسابهای پایاپای صنایع، بخشی از بدهی خود به دولت را به صورت تأمین تجهیزات و بودجه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی پردازند.

البته به نظر بعضی، از آنجا که افزایش نامحدود درآمدهای جانبی، ممکن است وظایف اصلی دانشگاه‌ها و مؤسسات را تحت الشعاع قرار دهد، مطلوب نیست، اما در اکثر کشورها، به دنبال کاهش یافتن بودجه تخصیصی دولت به دانشگاه‌ها، سعی شده است که کسب درآمد از فروش خدمات تسهیل گردد. از اولین اقداماتی که در این مورد انجام گرفته، لغو قانون لزوم واریز درآمدهای مذکور به خزانه بوده است (OECD, 1990).

۲-۳- درآمدهای اختصاصی دانشگاه‌ها در ایران

بررسی روند درآمدهای مذکور یا همان درآمدهای اختصاصی دانشگاه‌ها نشان می‌دهد که اولاً توان دانشگاه‌ها در ایجاد این گونه درآمدها نسبتاً خوب است و، اگر تسهیلات قانونی فراهم شود، می‌تواند منبع درآمد خوبی برای آنها باشد. در اینجا به بررسی درآمدهای اختصاصی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی می‌پردازیم. در جدول شماره ۶، اعتبارات دانشگاه‌ها از محل درآمدهای اختصاصی و درآمدهای عمومی، و در جدول شماره ۷، انواع درآمدهای (اختصاصی) ایجاد شده توسط دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی از سال ۱۳۵۴ الی ۱۳۷۴ و سهم هریک از آنها نشان داده شده است. چنانچه مشاهده می‌شود، تا سال ۱۳۶۶، درآمدهای اختصاصی بطور متوسط ۲ الی ۳ درصد کل اعتبارات دانشگاه‌ها

جدول شماره ۶: منابع درآمد دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و سهم هریک درکل درآمد آنها طی سالهای ۷۴ - ۱۳۵۴

(ارقام به هزارریال)

جمع اعتبارات	اعتبارات تخصیص یافته						شماره
	درصد	از محل درآمد اختصاصی	از محل بودجه عمومی				
			درصد	عمرانی	درصد	جاری	
۲۰,۰۸۰,۷۹۶	۳	۶۰۷,۱۵۴	۲۶	۵,۲۰۴,۰۵۹	۷۱	۱۴,۲۶۹,۳۸۳	۱۳۵۴
۲۵,۶۹۷,۳۷۰	۲	۵۱۲,۰۲۰	۲۳	۶,۰۱۴,۵۳۰	۷۵	۱۹,۱۷۰,۸۲۰	۱۳۵۵
۵۲,۷۹۵,۷۴۴	۱	۵۸۹,۸۰۰	۳۱	۱۶,۴۵۵,۴۱۵	۶۸	۳۵,۷۵۰,۵۲۹	۱۳۵۶
۵۸,۰۰۳,۶۶۲	۱/۵	۷۵۹,۰۶۸	۲۸/۵	۱۶,۳۴۶,۱۵۸	۷۰	۴۰,۸۱۱,۹۳۶	۱۳۵۷
۵۳,۰۰۹,۳۱۱	۲	۱,۰۳۹,۰۰۰	۲۲	۱۱,۵۴۳,۰۶۱	۷۶	۴۰,۴۲۷,۲۵۰	۱۳۵۸
۵۵,۷۱۶,۱۶۲	۲	۹۳۳,۰۰۰	۱۶	۹,۱۳۹,۵۷۹	۸۲	۴۵,۶۴۳,۵۸۳	۱۳۵۹
۵۰,۵۳۵,۳۷۷	۲	۱,۲۷۹,۷۴۷	۱۸	۸,۹۸۲,۲۴۵	۸۰	۴۰,۲۷۳,۳۸۵	۱۳۶۰
۵۳,۹۴۳,۵۳۹	۳	۱,۵۵۸,۰۰۰	۱۳	۷,۲۴۹,۵۵۴	۸۴	۴۵,۱۳۵,۹۸۵	۱۳۶۱
۶۸,۷۲۹,۷۲۸	۲	۱,۴۸۳,۸۰۵	۱۹	۱۲,۹۸۱,۸۸۷	۷۹	۵۴,۲۶۴,۰۳۶	۱۳۶۲
۸۵,۶۹۴,۵۵۷	۳	۲,۴۵۲,۷۲۲	۲۱	۱۸,۲۶۶,۵۶۴	۷۶	۶۴,۹۷۵,۲۷۱	۱۳۶۳
۹۳,۸۴۹,۹۳۳	۳	۲,۹۵۶,۵۶۵	۲۲	۲۰,۶۳۸,۴۳۴	۷۵	۷۰,۲۵۴,۹۳۴	۱۳۶۴
۹۸,۶۹۲,۲۷۰	۴	۴,۰۱۲,۵۴۹	۲۳	۲۲,۵۱۷,۲۶۱	۷۳	۷۲,۱۶۲,۴۶۰	۱۳۶۵
۱۲۹,۹۴۸,۳۷۱	۶	۷,۴۴۳,۱۳۸	۱۶	۲۱,۳۳۷,۴۰۷	۷۸	۱۰۱,۱۶۷,۸۲۶	۱۳۶۶
۱۶۱,۱۸۴,۹۶۱	۸	۱۳,۲۰۸,۶۰۳	۱۷	۲۷,۴۲۷,۹۱۵	۷۵	۱۲۰,۵۴۸,۴۴۳	۱۳۶۷
۲۱۷,۳۷۸,۸۳۱	۹	۱۹,۷۱۱,۸۱۸	۱۶	۳۵,۴۴۴,۹۴۸	۷۵	۱۶۲,۲۲۲,۰۶۵	۱۳۶۸
۳۳۳,۷۰۰,۳۰۸	۱۰	۳۲,۸۳۴,۷۷۴	۱۷	۵۷,۷۱۸,۰۸۸	۷۳	۲۴۳,۱۴۷,۴۴۶	۱۳۶۹
۵۰۴,۰۷۸,۸۱۸	۱۳	۶۵,۶۳۵,۵۱۴	۱۸	۹۰,۷۴۵,۸۵۰	۶۹	۳۴۷,۶۹۷,۴۵۴	۱۳۷۰
۷۶۹,۶۴۲,۲۱۱	۱۳	۹۶,۹۸۳,۷۸۵	۱۸	۱۳۹,۹۱۸,۶۱۷	۶۹	۵۳۲,۷۳۹,۸۰۹	۱۳۷۱
۱,۱۹۸,۶۷۱,۹۲۰	۱۱	۱۳۸,۳۳۳,۸۷۹	۲۱	۲۵۵,۴۴۹,۸۰۹	۶۷	۸۰۴,۸۸۸,۲۳۲	۱۳۷۲
۲,۰۵۶,۰۱۵,۸۹۳	۵	۹۹,۶۸۶,۹۲۰	۱۵	۳۰۷,۹۵۷,۱۷۶	۸۰	۱,۶۴۸,۳۷۱,۷۹۷	۱۳۷۳
۳,۰۰۶,۳۴۵,۳۰۰	۴۵	۱,۳۵۷,۸۷۰,۰۰۰	۱۱	۳۲۷,۰۸۸,۰۰۰	۴۴	۱,۳۲۱,۳۸۷,۳۰۰	۱۳۷۴

جدول شماره ۷: ترکیب درآمدهای ایجاد شده توسط دانشگاه‌ها و مؤسسات
آموزش عالی طی سالهای ۷۴ - ۱۳۵۴

سال	خدمات آموزشی و فرهنگی (خدمات دانشجویی و خدمات رفاهی) (۱)	خدمات بهداشتی و درمانی	فروش محصولات کشاورزی و صنعتی	فروش نشریات تکثیر شده	کتابهای درسی	بزرگاری دوره‌های آموزشی خاص	دوره‌های شبانه	ثبت نام دانشجویان و فروش کتاب (۲)	خدمات مشاوره‌ای و کارشناسی	دریافت هزینه‌های درسی	درآمدهای موقوفه
۱۳۵۴	۸	۵۱	-	۷	۲۱	-	-	-	-	-	۱۳
۱۳۵۵	۴	۶۰	-	۷	۲۱	-	-	-	-	-	۸
۱۳۵۶	۴	۵۰	-	۶	۲۸	-	-	-	-	-	۱۲
۱۳۵۷	۶	۴۸	-	۶	۲۲	-	-	-	-	-	۱۸
۱۳۵۸	-	۱۰۰	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۳۵۹	۲	۳۵	-	۲۳	۰/۴	-	-	-	-	-	۳۹
۱۳۶۰	-	۶۳	-	۱	۰/۰۸	-	-	-	-	-	۲۵
۱۳۶۱	۰/۹	۴۸	-	۳/۸	۰/۰۰۲	-	-	-	-	-	۴۷
۱۳۶۲	۲	۵۲	-	۸	-	-	-	-	-	-	۳۸
۱۳۶۳	۱۲	۶۱	۱۲	۳	-	-	-	-	-	-	۱۲
۱۳۶۴	۵	۷۲	۱۱	۴	-	-	-	-	-	-	۸
۱۳۶۵	۷	۷۵	۱/۵	۴/۵	-	-	-	-	-	-	۱۲
۱۳۶۶	۹	۷۶	۸	۲	-	-	-	-	-	-	۵
۱۳۶۷	۴	۸۶	۷	۱	-	-	-	-	-	-	۲
۱۳۶۸	۴	۸۵	۵	۱	-	۰/۳	-	۳/۶	-	-	۱

ادامه جدول شماره ۷

سال	خدمات آموزشی و فرهنگی (خدمات دانشجویی و نهالپهای فوق برنامه) ^(۱)	خدمات بهداشتی و درمانی	فروش محصولات کشاورزی و صنعتی	فروش نشریات تکثیر شده	کتابهای درجاتی	برگزاری دورههای آموزشی خاص	شیانه	ثبت نام دانشجویان و فروش کتاب ^(۲)	خدمات مشاوره ای و کارشناسی	دریافت هزینه های دروسای مردودی	درآمدهای متفرقه
	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد					
۱۳۶۹	۱	۸۷	۲	۰/۳	-	۰/۳	-	۸/۸	-	-	۰/۷
۱۳۷۰	۱	۸۹	۰/۶	-	-	۰/۵	۲/۵	۶	-	-	۰/۴
۱۳۷۱	۰/۲	۸۹	۰/۴	-	-	۰/۶	۴	۶	-	-	-
۱۳۷۲	۰/۴	۸۶	۰/۳	-	-	۲	۶	۵	-	-	-
۱۳۷۳	۱/۶	۷۴	۱/۱(۴)	۰/۳	-	۷/۱	۱۰/۵	۲/۸	۰/۶	۰/۳	۱/۷(۵)
۱۳۷۴	-	۸۴/۵(۳)	-	-	-	-	۱(۷)	۲/۳	-	-	۱۲/۲(۶)

۱- تا سال ۱۳۶۱، درآمدهای حاصل از خدمات آموزشی و فرهنگی، و از آن سال به بعد، درآمدهای حاصل از خدمات دانشجویی و فعالیتهای فوق برنامه، شامل درآمد حاصل از خوابگاه ها، کلاسهای فوق برنامه و آزاد، استخرها، آزمایشگاه ها، دندانپزشکی، خدمات بهداشتی و محاسباتی و چاپخانه ها است.

۲- از سال ۱۳۶۸، ارقام مربوط به درآمد حاصل از ثبت نام دانشجویان و فروش نشریات دانشگاه پیام نور جداگانه گزارش شده اند و تفکیک درآمد حاصل از فروش نشریات میسر نبوده است.

۳- شامل ۷,۰۰۰,۰۰۰ ریال (هفت میلیون) درآمد مراکز دندانپزشکی و آزمایشگاهی و ۷,۰۰۰,۰۰۰ (هفتاد میلیون) خدمات درمان سرپایی.

۴- شامل ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال (دویست هزار) خدمات دامپزشکی، آزمایشگاهی و کارگاهی دانشگاه های علوم پزشکی.

۵- شامل ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال (دو میلیون) اجاره ساختمان.

۶- شامل ۲,۱۵۰,۰۰۰ ریال (دو میلیون و صد و پنجاه هزار) اجاره ساختمان و ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال (پنج میلیون) فروش ساختمانهای قدیمی و ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال (دو میلیون) تبصره ۴۰ قانون بودجه ۱۳۷۴.

۷- فقط شامل رقم مربوط به دانشگاه های علوم پزشکی (به نظر می رسد درآمدهای این ردیف دانشگاه های غیر پزشکی در ردیف درآمدهای متفرقه منظور شده است).

بوده‌اند. از این سال به بعد، سهم این درآمدها افزایش یافته و در سال ۱۳۷۴، نسبت به سال قبل، بارشد چشمگیری (۰.۴۶٪) مواجه شده و سهم آن نیز به ۴۵ درصد کل اعتبارات رسیده است. علت این افزایش تخصیص صددرصد وجوه واریزی به حساب درآمد اختصاصی به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی بوده است. این مصوبه باعث گردید که جمع درآمدهای کسب شده دانشگاه‌ها در سال ۱۳۷۴، نسبت به سال ۱۳۷۵، از ۳۵۲/۳ میلیارد ریال به ۱۵۱۶/۴ میلیارد ریال برسد، یعنی ۵۰۰ درصد افزایش یابد.

ترکیب درآمدهای اختصاصی دانشگاه‌ها در جدول شماره ۷ نشان می‌دهد که، در کل سالهای مورد نظر، خدمات بهداشتی و درمانی بیشترین سهم را داشته است و پس از آن در بعضی سالها کمکهای دریافتی و در بعضی سالها فروش محصولات کشاورزی و صنعتی و درآمدهای متفرقه، به تناوب، سهم بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند. ناگفته نماند که تغییر نحوه تقسیم‌بندی این درآمدها در قانون بودجه کل کشور، بررسی سهم دقیق هر یک از درآمدها را مشکل می‌سازد. به طور کلی، به نظر می‌رسد که دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی از توان خود برای ایجاد این نوع درآمدها بهره گرفته‌اند و، از این نظر، توانسته‌اند منابع درآمد مکملی را تدارک ببینند. از این نظر و با توجه به اینکه کسب درآمد از دانشجویان روش بهینه دومی است و اولویت ندارد و نیز با عنایت به مباحثی که در پایان بخش اول - مبنی بر اینکه مقایسه‌های بین‌المللی بیانگر این واقعیت هستند که در ایران آموزش عالی سهم کمی از منابع ملی را در اختیار دارد - مطرح گردیدند، به نظر می‌رسد که راه حل اولیه برای تدارک منابع مالی مکمل که استمرار کافی داشته و بتواند منابع ملی را از طریق دیگری در اختیار این بخش بگذارد، روشی است که وجوه مستمری را از سایر بخشهای اقتصادی اجتماعی به صورت پرداختهای انتقالی به آموزش عالی منتقل کند. در قسمت بعد، بعضی از این روشها را بررسی می‌کنیم.

۳-۳- مالیاتهای خاص

سرمشأ طراحی چنین روشی می‌تواند تجارب موجود در زمینه گرفتن مالیاتهای

خاص و مالیات لیست حقوق (payroll taxes) باشد. مالیاتهای خاص و مالیات لیست حقوق روشهایی برای تأمین مالی دوره‌های کارآموزی در صنایع هستند که اخیراً برای تأمین مالی آموزش عالی نیز به کار گرفته شده‌اند. منابع مالی بخش آموزش دولتی معمولاً از محل بودجه عمومی تأمین می‌شوند. به عبارت دیگر، کسورات مالیاتی معمول بر کالاها، شرکتها و مؤسسات مختلف اعمال و درآمد آن در خزانه متمرکز می‌گردند، و سپس به مؤسسات آموزشی اعتبار تخصیص داده می‌شود. اما، علاوه بر آن، برای تأمین منابع مورد نیاز، به طور مستقیم می‌توان مالیاتهای مخصوص آموزش نیروی انسانی وضع کرد. این نوع مالیاتها «مالیات لیست حقوق» نام دارد. اندیشه طرح چنین مالیاتی تأمین مالی هزینه‌های آموزش عالی از منتفع شونده‌گان آن - یعنی کارفرمایان - بوده است و، به همین دلیل، باید مالیات مذکور بر لیست حقوق کارکنان آموزش دیده و متخصص وضع گردد. مخالفان این روش می‌گویند که بار این مالیات، در نهایت، به صورت دستمزد کمتر به نیروی کار منتقل می‌شود و بعضی بررسیهای انجام شده نیز این مطلب را تأیید می‌کنند (Whalley, 1990, p.366). آنها ضمناً معتقدند که با اخذ مالیات بر لیست حقوق در کشورهای در حال توسعه، نتایج به دست آمده در کشورهای توسعه یافته حاصل نخواهد شد؛ چون اولاً بازار کار در کشورهای در حال توسعه مشابه کشورهای توسعه یافته عمل نمی‌کند، ثانیاً مالیات بر لیست حقوق در کشورهای در حال توسعه عملاً به بازارهای اشتغال شهری محدود می‌شود. زیرا کشاورزی و بخشی از صنایع از سیاستهای حمایتی برخوردارند. طرفداران این روش - که البته، اغلب برای تأمین مالی دوره‌های کارآموزی در صنایع - کاربرد داشته است، معتقدند که در کشورهایی که مالیات بر سود از کارفرمایان اخذ نمی‌شود، از طریق این مالیات، امکان سهم کردن کارفرمایان در هزینه‌های آموزشی افراد تحصیل کرده فراهم می‌شود.

روش دیگری که برای انتقال منابع مالی از بخشهای مختلف به بخش آموزش عالی وجود دارد، اعمال مالیاتهای خاص است. در سطح جهان انواع مالیاتهای خاص وجود دارند که برای تدارک منابع مالی طرحهای آموزشی وضع شده‌اند،

مانند عوارض ۰/۲ درصدی به تجهیزات وارداتی در اکوادور، مالیات ۲/۵ درصدی بر ارزش کل طرحهای ساختمانی بزرگ در هنگ کنگ، و مالیات ۰/۰۳ درصدی بر ارزش کل صادرات پوشاک (Whalley, 1990, p. 378). چون هدف از وضع چنین مالیاتهایی تأمین مالی آموزش است، این نوع مالیاتها نیز - در واقع - نوعی مالیات یا عوارض بر مصرف نیروی کار ماهر هستند، لیکن چون - مانند مالیات لیست حقوق - ارتباط مستقیم با آن ندارند، عوارض سوء مالیاتهای خاص را نخواهند داشت. لذا، برای تدارک وجوه مستمری که بتوانند - به عنوان منبع مالی دائمی و مطمئن - درآمد کمی قابل اتکایی را برای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی فراهم کنند، این نوع مالیاتها بر مالیات لیست حقوق ترجیح دارد. در ایران، این نوع تأمین مالی برای دانشگاهها تا حدودی سابقه دارد. در سال ۱۳۷۱، برای اولین بار، رقم وصولی مازاد بر ۵ میلیارد ریال حاصل از یکصد ریال عوارض پسته صادراتی موضوع بند «و» تبصره ۱۰ قانون بودجه، حداکثر تا پنج میلیارد ریال در اختیار دانشگاه پیام نور قرار گرفت تا صرف احداث و توسعه فضای آموزشی مراکز پیام نور در شهرستانها شود.

این نوع مالیاتها، از آن رو که بخش دولتی و خصوصی رایکسان تحت پوشش قرار می دهند نیز کاربرد بیشتری دارند.

خلاصه و نتیجه گیری

در بررسی وضعیت مالی بخش آموزش عالی دولتی ایران، مشاهده گردید که این بخش برای پاسخگویی به تقاضای فزاینده برای آموزش عالی منابع کافی در اختیار ندارد و مقایسه‌های بین‌المللی نیز حاکی از آن است که به رغم اینکه سهم نسبتاً خوبی از بودجه عمومی دولت به آموزش عالی اختصاص می‌یابد، لکن سهم آن از کل منابع ملی یعنی تولید ناخالص ملی کشور - در مقایسه با سایر جهان - بسیار کم است.

در بررسی راه‌های تدارک منابع مالی جدید نیز گفته شد که تأمین منابع مالی از دانشجویان منوط و مشروط به ایجاد سازوکاری کارا برای حمایت مالی از آنان

است؛ چون - در غیر این صورت - اهدافی چون عدالت اجتماعی و عرضه آموزش عالی در حد بهینه اجتماعی، تحت الشعاع قرار خواهد گرفت. از طرف دیگر، نظام‌های وام دانشجویی در کل جهان نتوانسته‌اند در باز یافت هزینه‌ها موفق باشند، یعنی اگر هدف اصلی آنها کاهش فشار هزینه‌های آموزشی بر دولت و یا ایجاد منبعی کمکی باشد، در نیل به آن ناتوان هستند و، به همین دلیل، حتی برای حمایت دانشجویان و اعطای یارانه به منظور تسهیل دستیابی به آموزش عالی نیز روش‌های دیگری از قبیل اعطای اسناد هزینه، طرح پیش پرداخت شهریه و مالیات فارغ‌التحصیلی ابداع شده‌اند. برای کسب درآمد از طرق دیگر نیز گفته شد که اولین و ساده‌ترین روش برای دانشگاه‌های دولتی کسب درآمدهای جانبی یا همان درآمدهای اختصاصی است که خوشبختانه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی با تسهیلات قانونی اخیر در این راه موفق بوده‌اند و ظرفیت ایجاد چنین درآمدهایی را دارا هستند.

روش دیگر برای انتقال منابع مالی از بخش‌های دیگر اقتصادی - اجتماعی به بخش آموزش عالی، چنانکه مطرح شد، مالیات لیست حقوق و مالیات‌های خاص بودند و به دلایلی که گفته شد نوع اخیر ترجیح داشت. از طرف دیگر، در مباحث مربوط به مقایسه وضعیت مالی آموزش عالی ایران با سایر کشورها گفته شد که سهم آموزش عالی از کل منابع ملی بسیار کم است. از آنجا که مالیات‌های اخیر سازوکار مناسبی برای انتقال منابع از سایر بخش‌ها هستند، به نظر می‌رسد که این روش برای تدارک منابع مالی مستمر کمکی برای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی مفید و مؤثر باشد؛ ضمن اینکه از روش‌های دیگر نیز نباید غافل شد و باید تدابیری برای تقویت دانشگاه‌ها جهت برقراری ارتباط با صنایع و بخش‌های تجاری، توسعه همکاری‌های آموزشی و پژوهشی، و نیز جلب کمک‌های مردمی نیز اندیشید. لیکن راه حل عاجل برای تأمین مالی دانشگاه‌ها را باید در روش‌های یاد شده، یعنی کسب درآمدهای جاری و وضع مالیات‌های خاص جستجو کرد.

پی نوشتها:

- ۱- برای اطلاع از مباحث مفصلی که در این باره وجود دارد، به صفحات ۲۲۱ - ۲۲۹ منبع شماره ۱، ص ۷۱۹ منبع شماره ۲، ص ۱۵۶ منبع شماره ۳، ص ۲۰۰ منبع شماره ۴ و صص ۲۳ و ۲۴ منبع شماره ۵ مراجعه نمایید.
- ۲- در حال حاضر، طرح مالیات فارغ التحصیلی در کشور استرالیا اجرامی شود. برای اطلاع بیشتر به فصل سوم منبع شماره ۱۵ مراجعه کنید.
- ۳- علاقه مندان می توانند برای اطلاع از انواع درآمدهای یاد شده و تجارب کشورهای مختلف و شرایط بهره مندی از هر یک از آنها به فصل سوم منبع شماره ۱۵ مراجعه کنند.

فهرست منابع

- 1- Winkler, D.R., "Higher Education: should student pay their way?"
In: Liad phillips & Harold L. Votey (eds), "Economic Analysis of pressing social problems", Chicago: Rand McNally College Pub. Co., 1974.
- 2- Barr, Nicholas, "Alternative Funding Resources for Higher Education"; *The Economic Journal*; 103, (may 1993), PP.718-728.
- 3- Mcpherson, Mishaels and Morton Owen Schapiro; "Keeping College Affordable;" Washington, D.C., 1991.
- ۴- ساخارو پولوس، جرج، ومورین ووڊهال؛ آموزش برای توسعه: تحلیلی ازگزینشهای سرمایه گذاری؛ ترجمه پریدخت وحیدی وحامید سهرابی، سازمان برنامه وبودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی وانتشارات، ۱۳۷۰.
- ۵- حائز، رضا؛ «خصوصی کردن آموزش عالی». گزیده مسائل اقتصادی - اجتماعی؛ شماره ۱۲۵، سازمان برنامه وبودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی وانتشارات.
- 6- OECD; "Financing Higher Education: Current Patterns"; Paris: OECD, 1990.

- 7- Johnstone, D.B., "Tuition Fees"; In: **Encyclopedia of Higher Education**, edited by: Clark & Neave, Pergamon Press, 1992, PP. 1501-1509.
- 8- Hart, Loren; "**Financing Tuition, Is Prepayment Plans The Right Answer?**"; *New Directions for Higher Education*, Vol. 15, No 2, P.53-65, Sum. 1987.
- 9- Woodhall, Maureen; "Designing a Student Loan Program for a Developing Country: The Relevance of International Experience"; **Economics of Education Review**, Vol. 7, No, 1, 1988, pp. 153-161.
- 10- Whalley, John and Adrian Ziderman; "Financing Training in Developing Countries: The Role of Payroll Taxes" **Economics of Education Review**, Vol. 9, No. 4, 1990, PP. 377-387.
- ۱۱- سازمان برنامه و بودجه، قانون بودجه کل کشور؛ مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات، سالهای مختلف.
- ۱۲- مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، آمار آموزش عالی ایران؛ گروه پژوهشهای آماری و انفورماتیک، سالهای مختلف.
- 13- UNESCO **Statistical Year book**, 1994 & 1995.
- 14- Albercht, Douglas & Adrian Ziderman; "student Loans: Effective Instrument for Cost Recovery In Higher Education"; **the World Bank Research Observer**, Vol. 8, No. 1 (Jan. 1993), PP. 71-90.
- ۱۵- قارون، معصومه؛ بررسی راههای تأمین منابع مالی دانشگاهها؛ مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، پاییز ۱۳۷۵.